

سندیت دفاتر تجاری

مصطفی السان*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپڙه شڪارو علوم انساني و مطالعات فرېنڊي
پرتمال جامع علوم انساني

سندیت دفاتر تجاری

مقدمه و طرح بحث

دفاتر تجاری، اوراق خودنوشتی هستند که در قانون مدنی جزء اسناد و در نتیجه از ادله اثبات دعوی محسوب گردیده‌اند (مواد ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰ قانون مدنی). این دفاتر که طبق ماده ۶ قانون تجارت، هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف به داشتن آن است، در صورتی که طبق شرایط خاص قانونی، تنظیم شده باشند می‌توانند برای تاجر دارنده دفتر در دعاوی وی علیه تاجر دیگر مورد استناد قرار گیرند. قانونگذار به دلیل اهمیتی که معاملات تجاری در پیشبرد و توسعه اقتصاد جامعه دارد و نیز به منظور نظام‌مند کردن حسابداری تاجر، برای آنها حقوق و تکالیفی قایل شده است؛ تکلیف به داشتن و تنظیم دقیق و قانونی دفاتر تجاری و حق استناد به این دفاتر بر علیه تاجر در امور تجارتی. در این مقاله، هدف ما معرفی انواع این دفاتر و شرایط تدوین آنها نیست، بلکه فقط از این دیدگاه که این دفاتر از نظر اثباتی چه اعتبار و اهمیتی دارند به موضوع نگریسته شده است. لذا در فصول چندگانه به بررسی اعتبار دفاتر تجاری به عنوان یکی از دلایل اثبات دعوی پرداخته می‌شود.

فصل اول: تعریف و انواع دفاتر تجاری

بند اول - تعریف: تعریف خاص یا حداقل قانع‌کننده‌ای از دفاتر تجاری از سوی حقوقدانان ارائه نشده است، فقط یکی از حقوقدانان، دفتر تجاری را به «دفتری که

بازرگان امور تجاری خود را در آن منعکس می‌کند از قبیل دادوستد تجاری، معاملات و واردات و صادرات تجاری و...^۱ تعریف کرده است. با اینحال با توجه به مقررات قانون مدنی، قانون تجارت و قانون آئین دادرسی مدنی می‌توان دفاتر تجاری را به این صورت تعریف نمود: دفاتر تجاری، دفاتری هستند که تجار (به استثنای کسبه جزء) مکلف به تنظیم و تدوین آن طبق شرایط قانونی و موظف به ضبط معاملات و واردات و صادرات و به طور کلی تمام امور تجاری خود در دفاتر مزبور هستند.

از تعریف فوق، جنبه الزام آور بودن داشتن دفاتر تجاری برای تجار (که این الزام آور بودن از حکم قانونگذار در ماده ۶ ق. ت استفاده می‌شود) و نیز جنبه آمره بودن درج تمام امور تجاری در دفاتر مزبور (مواد ۷ تا ۱۰ ق. ت) فهمیده می‌شود.

بند دوم - انواع دفاتر تجاری: هدف از این بند، ذکر انواع دفاتر تجاری از نظر قانون تجارت یعنی دفتر روزنامه، دفتر کل، دارایی و کپی نیست، زیرا این بحث در قانون تجارت مطرح شده و به بحث ما ارتباطی ندارد، بلکه هدف تشخیص انواع دفاتر تجاری از حیث قابلیت استناد به آنها و به عبارت دیگر از حیث سندیت آنهاست.

تقریباً تمام حقوقدانانی که در خصوص دفاتر تجاری بحث کرده‌اند، این دفاتر را به دو نوع - عادی (دفاتری که تاجر بدون رعایت کردن مقررات مربوطه در قانون تجارت برای امور تجاری خود تنظیم می‌کند) و رسمی (دفاتری که طبق قانون تجارت تنظیم شده‌اند) تعریف کرده‌اند.^۲ ولی تقسیم‌بندی دفاتر تجاری به دو نوع عادی و رسمی دارای ایراد اساسی می‌باشد، - همان طور که اکثر حقوقدانانی که این دفاتر را به عادی و رسمی تقسیم نموده‌اند، این نکته را متذکر شده‌اند که دفاتر تجاری که بر طبق قانون تجارت

۱. دکتر امیر حسین شیخ نیا، ادله اثبات دعوی، چ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.

۲. برای نمونه رجوع کنید به: سید حسن امامی، حقوق مدنی، چ ششم، چ ششم، انتشارات ابوریحان، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۷۵. شیخ نیا، همان ص ۱۰۸. دکتر سید محسن صدرزاده افشار، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، چ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۶، ص ۱۰۵ و دکتر حسینقلی کاتبی، حقوق تجارت، چ دوم، انتشارات کتاب فرزاد، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۵.

تنظیم می‌شوند، اگر چه در عرف تجاری به دفاتر رسمی مشهور هستند ولی از نظر حقوقی از اسناد عادی محسوب می‌گردند.^۱ علت این امر این است که دفاتر تجاری، شرایط اسناد رسمی (یعنی شرایط مذکور در ماده ۱۲۸۷ ق.م که عبارتست از تنظیم آنها: ۱- در اداره ثبت اسناد، املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا نزد مأمور رسمی ۲- در حدود صلاحیت آنها ۳- بر طبق مقررات قانونی) را ندارند.

با توجه به توضیحات بالا، دفاتر تجاری را از حیث سندیت آنها می‌توان به دو نوع تقسیم بندی کرد:

۱- دفاتر تجاری که بر طبق قانون تجارت تنظیم شده‌اند: یعنی در این دفاتر، تمام شرایطی که بر طبق قانون تجارت برای تنظیم انواع دفاتر تجاری ذکر شده است، رعایت گردیده و از این حیث بر اساس قانون مدنی و قانون تجارت، فواید خاصی بر این دفاتر از نظر دلیل بودن در دعاوی متصور است که بعداً به آن می‌پردازیم. این نوع از دفاتر تجاری را می‌توان، دفاتر تجاری قانونی نامید.

۲- دفاتر تجاری که بر طبق قانون تجارت تنظیم نشده‌اند: این دفاتر به علت نداشتن شرایط دفاتر تجاری قانونی، آثاری متفاوت با دفاتر مذکور دارند که بعداً به آن می‌پردازیم.

مسئله: آیا دفاتر تجاری، اسناد عادی هستند؟ چنانکه قبلاً ذکر شد، دفاتر تجاری با آن که قانون تجارت انواع آن را معین کرده و مأمور رسمی هم آنها را امضا می‌کند، جزء اسناد رسمی نیستند.^۲

حال این سؤال مطرح است که آیا دفاتر تجاری اسناد عادی هستند یا خیر؟ حقوقدانانی که به بررسی دفاتر تجاری پرداخته‌اند، این دفاتر را در زمره اسناد عادی به شمار آورده‌اند.^۳ ولی با تدقیق در مواد قانون تجارت و قانون مدنی مشخص می‌شود که

۱. دکتر امامی، همان، ص ۱۷۲ و دکتر سید جلال الدین مدنی، ادله اثبات دعوی، چ اول، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۳۲.

۲. دکتر حسینقلی حسینی نژاد، ادله اثبات دعوی، چ اول، نشر میزان، ۱۳۷۴، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۶۹۹ و دکتر امامی، همان، ص ۷۷.

دفاتر تجاری، اسناد عادی به معنی خاص به حساب می‌آیند. زیرا هر چند که حقوقدانان در تعریف سند عادی از تعریف دوری و غیر منطقی قانون مدنی برای این نوع از سند، استفاده نموده‌اند - قانون مدنی در ماده ۱۲۸۹، اسناد غیر رسمی را عادی دانسته است - ولی در عرف رایج و رویه معمول در اجتماع، سند عادی عبارت از هر نوشته غیر رسمی است که در آن معمولاً شخصی که سند علیه وی مورد استناد قرار می‌گیرد به نوعی نقش دارد و در صورت داشتن شرایط قانونی مثل صحت امضاء، مشخص بودن طرفین و... به عنوان دلیلی برای اثبات دعوی می‌توان از آن استفاده نمود، کما اینکه قانون مدنی در شمارش ادله اثبات دعوی، سند را به طور مطلق به کار برده و تفکیکی بین سند عادی و رسمی قایل نشده است (ماده ۱۲۵۸ ق.م). در مقابل دفاتر تجاری، اسنادی هستند که شخصی که سند بر ضد وی مورد استناد قرار می‌گیرد (طرف مقابل دارنده دفاتر تجاری قانونی یعنی تاجر برای امور تجاری) در تنظیم آن، هیچ نقشی ندارد و علت اعتبار این دفاتر، همانطور که گفته شد توجه خاص قانونگذار به امور اقتصادی و تجاریست. با این توضیح، مشخص می‌گردد که دفاتر تجاری اسناد عادی به مفهوم خاص و استثنایی هستند، زیرا دفاتر تجاری قانونی که با شرایط قانون تجارت تنظیم شده باشند، طبق ماده ۱۲۹۷ ق.م و ماده ۱۴ ق.ت، فقط بین تاجر و صرفاً برای امور تجاری سندیت دارد که علی‌الاصول این قضیه در خصوص سایر اسناد عادی، صدق نمی‌کند زیرا همان طور که ذکر شد، اسناد عادی دیگر غیر از دفاتر تجاری در صورت داشتن شرایط، در مقابل همه قابل استنادند. از طرف دیگر، دفاتر تجاری نوع دوم یعنی دفاتری که با رعایت شرایط قانونی تنظیم نشده‌اند نیز، جزء اسناد عادی استثنایی و خاص می‌باشند، هر چند که تاجر آنها را با صداقت کامل و به طور دقیق تنظیم نموده باشد، زیرا این نوع از دفاتر تجاری طبق ماده ۱۳۰۰ ق.م و ماده ۱۴ ق.ت فقط بر ضد تاجر دلیل محسوب می‌شوند. علت اینکه دفاتر تجاری، فقط در مقابل تاجر، توسط تاجر و برای امور تجاری قابل استناد هستند را فقط باید به دلیل حکم صریح قانونگذار در این خصوص در مواد فوق‌الذکر دانست، و گرنه توجیه حقوقی خاصی در این خصوص وجود ندارد. البته طبق ماده ۱۲۹۸ ق.م «دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء

قراین و امارات قبول شود...» در این ماده، اشاره شده که دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر از قراین مثبتة دعواست که این قرینه، بر حسب مورد ممکن است به نفع یا به ضرر تاجر باشد. دلیل دیگری که بر استثنایی و خاص بودن دفاتر تجاری می‌توان ارایه کرد این است که، ماده ۱۲۹۱ ق. م، در خصوص دفاتر تجاری صدق نمی‌کند. طبق ماده مذکور اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را می‌یابد که اولی در صورتی است که طرفی که سند علیه او اقامه شده صدور آن را از منتسب الیه تصدیق نماید. دوم اینکه، در محکمه امضا یا مهر تکذیب کننده یا تردید کننده سند ثابت شود.

دلیل آخر بر اینکه دفاتر تجاری از اسناد عادی استثنایی و خاص هستند، این امر می‌باشد که طبق مفهوم مخالف ماده ۱۲۹۲ ق. م و ماده ۲۱۶ قانون آئین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹)، خواننده می‌تواند نسبت به محتویات سند عادی، ادعای انکار یا تردید را مطرح نماید، در حالیکه به نظر نمی‌رسد در صورتی که دفاتر تجاری بر طبق قانون تجارت و کنترل مأمور رسمی تنظیم شده باشد ادعای انکار یا تردید نسبت به آنها، امکان پذیر باشد، زیرا ماده ۱۲۹۷ ق. م شرط سندیت دفاتر تجاری را به طور مطلق رعایت مقررات قانون تجارت دانسته و شرط دیگری برای آن معین نکرده، بنابراین با توجه به اصل عدم باید دفاتر تجاری را غیر قابل انکار یا تردید دانست. از نظر عقل و عرف تجاری نیز پذیرفتنی نیست که تاجری دفاتر تجاری خود را به طور قانونی تنظیم نماید و این دفاتر توسط مأمور ثبت، صفحه‌گذاری و امضاء شده باشد و در عین حال تاجر دیگر بتواند آنها را انکار نماید یا نسبت به آنها، ادعای تردید کند.

فصل دوم: سندیت دفاتر تجاری قانونی

دفاتر تجاری قانونی، یعنی دفاتری که تاجر قانوناً مکلف به داشتن آنهاست و طبق قانون تنظیم شده‌اند دارای سندیت هستند و به عنوان دلیل اثبات دعوا می‌توانند به کار روند، که این سندیت دارای خصوصیات زیر است:

بند اول - دفاتر تجاری قانونی فقط در برابر تجار قابل استنادند: همانطور که گفته شد، طبق ماده ۱۴ قانون تجارت و ماده ۱۲۹۷ ق. م دفاتر تجاری فقط بین تجار

دارای اعتبار هستند. بنابراین تاجر دارنده دفتر، فقط در مقابل تاجر دیگر می‌تواند به دفاتر تجاری خود استناد کند. عکس این امر نیز صحیح است، یعنی یک تاجر می‌تواند به دفاتر تجاری تاجر دیگر علیه دارنده دفاتر استناد نماید. طبق ماده ۲۱۰ آ.د.م (مصوب ۱۳۷۹) «چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد نماید، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود. در صورتی که ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مأمور می‌نماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج نویس نماید.»

یک تاجر می‌تواند در مقابل کسبه جزء نیز به دفاتر تجاری خود استناد کند، زیرا کسبه جزء به موجب حکم شماره ۱۵۲۶ مورخ ۱۳۲۶/۹/۱۱ شعبه ششم دیوانعالی کشور، مشمول تعریف مذکور در قانون تجارتند [یعنی مشمول تعریف مذکور در قانون تجارت برای تاجرنند] و تاجر محسوب می‌شوند و ملزم نبودن آنها به داشتن دفاتری که بر حسب قانون مزبور سایر تاجر ملزم به داشتن آنها هستند، موجب نخواهد بود که از سایر مقررات مربوط که از آن جمله قابل استناد بودن دفاتر تجاری بر ضرر آنهاست (مواد ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ ق.م) معاف باشند.^۱

بند دوم - دفاتر تجاری دارای شرایط قانونی فقط برای امور تجاری قابل استناد هستند: این مورد نیز از صراحت ماده ۱۲۹۷ ق.م و ماده ۱۴ ق.ت استفاده می‌شود. در امور غیر تجاری، تاجر مانند اشخاص غیر تاجر بوده و سندیت دفاتر تجاری مورد پیدا نمی‌کند.^۲ البته در عمل امور مالی شخصی و غیر تجاری تاجر نیز در دفتر روزنامه درج می‌گردد.

بند سوم - مندرجات دفاتر تجاری دارای شرایط قانونی غیر قابل تفکیک است: طبق قسمت اخیر ماده ۱۲۹۸ ق.م «...اگر کسی به دفاتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه که به ضرر اوست رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که به ضرر اوست ثابت کند.» آنچه که در این ماده گفته شده، قاعده‌ای است کلی که به موجب آن

۱. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۴، چ دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص ۲۸۱.

۲. دکتر حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج اول، چ اول، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۴، ص ۷۳.

کسی که به امری به عنوان ادله اثبات دعوی، استناد می‌کند نمی‌تواند نسبت به آن تجزیه به عمل آورده و فقط آن قسمت را که به نفع خویش است، در نظر بگیرد؛ چنانکه ماده ۱۲۸۲ ق.م در خصوص اقرار نیز به تجزیه ناپذیری اقرار اشاره دارد.

بنابراین، به طور مثال اگر (الف) به عنوان تاجر پارچه، مقدار ۵۰۰ قواره پارچه معین به شخص (ب) که وی نیز تاجر پارچه می‌باشد، بفروشد و از بابت همین معامله مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ تومان از وی طلبکار باشد و در عین حال از بابت معامله دیگری همین مبلغ را به وی (ب) بدهکار باشد نمی‌تواند در مقابل ادعای تهاثر از سوی (ب) به استناد دفاتر تجاری، فقط اثبات طلب خود را مستند به دفاتر تاجر مذکور نماید.

بند چهارم - کسی که می‌خواهد به دفاتر تجاری تاجر استناد نماید باید موارد استفاده را مشخص نماید: هر چند که به این مورد در قوانین مدنی، تجارت و آ.د.م اشاره نشده، ولی آرای قضایی به این مورد اشاره دارد، چنانکه حکم تمیزی شماره ۲۹۲۴ مورخ ۱۳۲۱/۱۰/۲ شعبه چهارم دیوان عالی کشور، مقرر می‌دارد که: «امتناع از ابراز دفاتر را نمی‌توان (بدون تعیین مورد استفاده) از ادله مثبت دعوی طرف [استناد کننده به دفاتر تجاری] دانست.» شعبه اول دادگاه شهر تهران در حکم مورخ ۱۳۴۱/۲/۱ علت این امر را با توجه به ظاهر ماده ۳۰۱ قانون آ.د.م (سابق) چنین دانسته که «افشای همه مطالب مندرج در یک دفتر علاوه بر اینکه ممکن است - موجب ضرر صاحب دفتر باشد، مورد نیاز و حاجت شخصی که به دفاتر استناد نموده نیست و بالطبع ماده ۳۰۱ قانون آ.د.م (سابق) نمی‌تواند ناظر به رایه همه موارد و مندرجات دفتر هم باشد و اگر این دلیل هم کافی نباشد باید به قدر متیقن تکلیف مزبور یعنی رایه موارد استناد از سوی کسی که تمسک به دفاتر نموده اکتفا نمود.»^۱

حکم مذکور در فوق منطقی و دازای دلیل متقن می‌باشد، البته ممکن است گفته شود که - قانونگذار این مشکل را اینگونه حل کرده است که «در صورتی که ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مأمور می‌نماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه

و آنچه لازم است خارج نویس نماید.» (ماده ۲۱۰ قانون آ.د.م مصوب ۱۳۷۹).

ولی چنین اظهاری نمی تواند صحیح باشد، زیرا:

اولاً، چنین راه حلی در قانون آ.د.م سابق نیز پیش بینی شده بود (ماده ۳۰۱ قانون آ.د.م سابق) که به نظر می رسد ناظر به موردی می باشد که تاجر ورشکسته شده و قانوناً حق دخل و تصرف در امور مالی خود و از جمله دفاتر تجاری که دارای اطلاعات زیادی در خصوص وضع مالی وی می باشد، را ندارد. (مواد ۴۱۳ و ۴۱۹ ق.ت به عدم امکان قانونی دخل و تصرف تاجر ورشکسته در امور مالی خود اشاره دارد).

ثانیاً، عقلاً و منطقاً نیز نباید به شخصی که نمی داند در دفاتر تجاری تاجر به دنبال چه موردی است، اجازه تقاضای ابراز دفاتر را داد، زیرا ادعای وی بیشتر به واهی و بی اساس بودن مشتبه است تا دعوی قطعی و جازم.

ثالثاً، همانطور که در رأی شعبه اول دادگاه تهران آمده، ماده ۳۰۱ قانون آ.د.م سابق و ماده ۲۱۰ قانون آ.د.م مصوب ۱۳۷۹، نمی تواند ناظر به تمام مندرجات دفتر باشد و چون ابراز دفاتر تجاری، به علت ارتباط با حیثیت تاجر و امور تجاری وی، باید محدود و استثنایی باشد باید به قدر متیقن یعنی ابراز دفاتر در صورتی که موارد استفاده از سوی استناد کننده مشخص شده باشد، اکتفا نمود.

فصل سوم: موارد بی اعتباری دفاتر تجاری قانونی

دفاتر تجاری که با رعایت شرایط قانونی تنظیم شده اند، یا قانوناً باید با رعایت شرایط مقرر تکمیل گردند، ممکن است در مواردی بی اعتبار باشند، یعنی تاجر نتواند از آنها به عنوان دلیل علیه تجار دیگر (ماده ۱۲۹۷ ق.م) یا به عنوان قرینه علیه غیر تجار (ماده ۱۲۸۹ ق.م) استفاده نماید که این موارد به قرار زیر است:

بند اول - تعارض دفاتر تجاری با سایر ادله اثبات دعوی: که این تعارض ممکن است به صورتهای مختلف باشد، که بر حسب تعارض دفاتر تجاری با ادله دیگر ممکن است موجب بی اعتباری آن دفاتر شود یا در ارزش و اعتبار آن تأثیری ننماید که اقسام تعارض ذیلاً می آید.

قسمت اول: تعارض دفاتر تجاری تاجری با دفاتر تاجر دیگر.

اگر مطالب مندرج در دفاتر تجاری دو تاجر با هم تعارض داشته باشد، بدیهی است در صورتی که در تنظیم دفاتر یکی از تاجر مذکور شرایط قانونی رعایت نشده باشد، دفاتر طرف مقابل برتری و ارجحیت خواهد داشت، زیرا طبق ماده ۱۲۹۷ ق.م. دفاتر تاجر در صورتی که مطابق قانون تنظیم نشده باشد به نفع دارنده دفتر دلیل نمی‌شود. ولی در صورتی که دفاتر هر دو تاجر مطابق قانون تنظیم شده باشد، در این صورت به نظر می‌رسد که باید در صورت امکان با مراجعه و بررسی دفاتر مذکور یا ارجاع به کارشناس موارد اختلاف را تعیین کرده و مورد صحیح را مشخص نمود، ولی در صورتی که از این طریق مشکل حل نگردد، چون از نظر اصولی دلیلی بر ترجیح دفاتر یکی از تاجر بر دفاتر طرف دیگر وجود ندارد،^۱ باید بر طبق قاعده «الدلیلان اذا تعارضا تساقطا» حکم به سقوط هر دو دلیل داد و به ادله و قرائین دیگر رجوع نمود.

قسمت دوم: تعارض دفاتر تجاری با اسناد رسمی.

با توجه به اهمیتی که قانونگذار برای اسناد رسمی قایل شده و با توجه به دقتی که در تنظیم اسناد رسمی به عمل می‌آید و ضمن در نظر گرفتن این مورد که تنظیم دفاتر تجاری، توسط شخص تاجر و بدون نظارت مشخصی به عمل می‌آید؛ علی‌رغم اینکه قانونگذار اعتبار ویژه‌ای را برای دفاتر تجاری مخصوصاً از حیث قابلیت استناد به آنها در مقابل تاجر دیگر قایل شده است باید در صورت تعارض سند رسمی با دفاتر تجاری، اسناد رسمی را مقدم دانست و بر اساس آن حکم نمود. بنابراین اگر در دفاتر تجاری تاجری، معامله‌ای که بین وی و تاجر دیگر در خصوص زمین زراعی وی، واقع در محل معین صورت گرفته به گونه‌ای دیگر و با قیمتی متفاوت با سند رسمی، درج شده باشد، شکی در تقدم سند رسمی وجود ندارد.

قسمت سوم: تعارض دفاتر تجاری با سایر ادله

در صورتی که دفاتر تجاری با ادله دیگر در تعارض باشد، بنظر می‌رسد که نمی‌توان آن ادله را بر دفاتر تجاری مقدم دانست. بنابراین و به طور مثال، نمی‌توان شهادت دو نفر را ولو جامع شرایط شاهد باشند در صورتی که معارض با دفاتر تجاری باشند بر دفاتر تجاری مقدم دانست زیرا قانون مدنی و قانون تجارت، برای دفاتر تجاری ارزش و اعتبار قایل شده و قانون مدنی این دفاتر را در زمره ادله اثبات دعوی قرار داده است و اگر قرار باشد هر دلیلی بر اعتبار این دفاتر مقدم باشد، دیگر اعتباری برای آنها در روابط تجار قابل تصور نیست. البته ابراز چنین عقیده‌ای با نظریه شورای نگهبان در خصوص ماده ۱۳۰۹ ق. م. تعارض دارد که در آن بیان شده: «ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی از این نظر که شهادت بینة شرعیه را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته، خلاف موازین شرع بوده و بدین وسیله ابطال می‌گردد.»^۱ به نظر می‌رسد اگر دفاتر تجاری تاجر، با اقرار وی نیز معارض باشد، در صورتی که تاجر ورشکسته نباشد و جامع شرایط اقرار باشد باید آن را بر مفاد دفاتر تجاری مقدم دانست زیرا، اقرار اخبار به حقی برای غیر به ضرر خود است (ماده ۱۲۵۹ ق. م) که معمولاً عقلاً از آن پرهیز می‌کنند و در صورتی که به آن اقدام کنند، قاعده اقدام، چنین عملی را به ضرر مقرر می‌پذیرد. از سوی دیگر دلیل بر پذیرش اقرار تاجر برخلاف دفاتر تجاری وی این است که تاجر، شخصاً و بدون دخالت دیگران دفاتر خود را تنظیم می‌نمایند و وقتی تاجر برخلاف آنچه که در دفاترش مقرر است اقدام می‌کند، در واقع قسمتی از مندرجات سند خود را انکار می‌کند و انکار سند غیر رسمی طبق ماده ۱۲۹۲ ق. م و ماده ۲۱۶ قانون آ.د.م از سوی کسی که سند بر ضرر وی مورد استناد قرار گرفته و به طریق اولی از سوی صاحب سند [در اینجا صاحب دفاتر تجاری] قابل پذیرش است.

بند دوم: در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد. (بند ۱ ماده ۱۲۹۹ ق. م). ضوابطی که توسط قانونگذار برای تنظیم دفاتر در نظر گرفته شده توسط تاجر رعایت نگردد، دفتر از حالت عادی خارج می‌شود و معلوم

۱. رجوع کنید به: نظریه شورای نگهبان منتشره در روزنامه رسمی ۱۲۷۳۴ - ۱۳۶۷/۸/۲۴.

می‌شود اعمال خلاف واقع در آن دفتر صورت گرفته است.^۱ در اینجاست که تقسیم بندی دفاتر تاجر به دفاتر تجاری قانونی و عادی (یعنی دفاتری که شرایط قانون تجارت برای دفاتر تجاری را ندارند)، تحلیل علت بی اعتباری دفاتر را آسان می‌سازد، زیرا وقتی دفتری دارای تراشیدگی یا اوراق اضافی باشد، مشخص می‌شود که دفتر از حالت قانونی خارج شده و به حالت عادی در آمده است. در خصوص اوراق دفاتر، چون این اوراق توسط مأمور اداره ثبت (متصدی امضاء) شمارش و صفحه گذاری می‌شود (ماده ۱۲ ق. ت) بنابراین دخل و تصرف در آنها و الصاق و الحاق نمودن صفحات اضافی، تخلف و موجب خروج دفاتر از حالت قانونی به شکل عادی است که همان طور که گفته شد، دفاتر عادی هر چند که به نفع دارنده دفاتر حجت و دلیل نیست ولی طبق قاعده کلی که ماده ۱۳۰۰ ق. م مقرر داشته، علیه و به ضرر وی دلیل می‌باشد.

بند سوم: وقتی که بی ترتیبی و اغتشاش مکشوف در دفتر به نفع صاحب دفتر باشد. مثلاً طبق ماده ۸ ق. ت، تاجر مکلف است که کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلف آن را تشخیص و جدا کرده، هر نوعی را در صفحه مخصوصی در دفتر کل به طور خلاصه ثبت کند. حال اگر تاجر این کار را در هر ۱۰ روز یکبار صورت دهد، بی شک موجب اغتشاش در دفتر و در نتیجه خروج آن از حالت قانونی به حالت عادی خواهد شد.

بند چهارم: وقتی که بی اعتباری دفتر، سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد. نکته‌ای که در خصوص سه قسمت اخیر که از موارد بی اعتباری دفاتر تجاری محسوب می‌گردند، باید اظهار داشت این است که طبق ظاهر ماده ۱۲۹۹ ق. م که این موارد در آن آمده است، وجود هر یک از موارد مذکور موجب بی اعتباری محل دفتر تجاری می‌گردد که بهتر بود، فقط آن قسمتی که در آن دستکاری و دخل و تصرف شده بود، بی اعتبار دانسته می‌شد و سایر مندرجات دفتر قابلیت استناد را از دست نمی‌داد. شایان ذکر است که منظور از بی اعتباری دفاتر تجاری قانونی، بی اعتباری آنها از این

نظر است که از سوی تاجر دارنده دفاتر، قابل استناد نیستند و گرنه همان طور که گفته شد، طبق قاعده‌ای که ماده ۱۳۰۰ ق.م مقرر داشته است: «در مواردی که دفاتر تجاری به نفع صاحب آن دلیل نیست به ضرر او سندیت دارد». علیه تاجر دارنده دفتر، دفاتر وی قابل استناد است. البته چون خود تاجر، فقط حق استناد به دفاترش را در مقابل تاجر دیگر دارد (ماده ۱۲۹۷ ق.م) بنابراین فقط تاجر می‌تواند به دفاتر بی اعتبار تاجر علیه وی استناد نمایند، زیرا منطقی نیست که تاجر نتواند از دفاتر قانونی خود علیه غیر تاجر استفاده نماید (ماده ۱۲۹۸ ق.م) و در عین حال، غیر تاجر این حق را داشته باشد که به دفاتر عادی تاجر در دعوی خود علیه وی استناد نماید. لذا غیر تاجر از دفاتر تجاری عادی تاجر، فقط به عنوان قرینه می‌تواند علیه وی استفاده کند.

فصل چهارم - سندیت دفاتر تجاری عادی

دفاتر تجاری عادی، یعنی دفاتری که بر طبق قانون تجارت تنظیم نشده‌اند، فقط در یک مورد سندیت دارد و آن هم، همانطور که ماده ۱۳۰۰ ق.م بیان کرده، سندیت علیه تاجر دارنده دفتر است. حکم مذکور در ماده ۱۳۰۰ از مادتين ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ ق.م ناشی می‌شود. طبق ماده ۱۲۸۰ ق.م «اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.» و طبق ماده ۱۲۸۱ «قیددین در دفتر تاجر به منزله اقرار کتبی است.» یکی از حقوقدانان اظهار داشته است که «هر کس خواه تاجر یا غیر تاجر می‌تواند به دفاتر تاجر - در صورتیکه دارای شرایط قانونی نباشند - استناد نماید.»^۱

همانطور که در قسمت چهارم فصل سوم، اشاره شد به نظر می‌رسد که از حیث تجاری بودن دفاتر، نتوان به غیر تاجر اجازه داد که به دفاتر عادی تاجر استناد نماید، ولی چون طبق صراحت ماده ۱۲۸۱ ق.م «قید دین در دفتر تاجر به منزله اقرار کتبی است.» در صورتیکه آنچه غیر تاجر به ضرر تاجر به استناد دفاتر تجاری وی ادعا می‌کند «دین» باشد، در این صورت اگر غیر تاجر در دین مورد ادعا، ذینفع باشد می‌تواند به دفاتر تاجر

استناد نماید.

فلسفهٔ عدم اعتبار دفاتر تجاری عادی به نفع تاجر دارندهٔ دفاتر مشخص است، اعتبار دفاتر تجاری دارای شرایط قانونی، یعنی سندیت آن به سود بازرگان و به زیان بازرگان دیگر و بر عکس، امری استثنایی است که قانونگذار برای ایجاد اعتماد میان تجار و سرعت بخشیدن به عملیات تجاری شناخته است.^۱ استثنایی از این نظر که قانونگذار، منحصرأً دفاتر تجاری را که توسط یک نفر و بدون کنترل خاصی تنظیم شده باشد را دارای اعتبار دانسته است و به دارندهٔ آن، حق استناد به دفاتر خود را داده است. بنابراین منطقی این است که تاجر، اعتماد اعطایی و در نظر گرفته شده از سوی قانونگذار را به خویش با عدم تقلب و دستکاری در دفاتر خود حفظ نماید. با این حال اگر تاجر به تقلب و خدشه و اغتشاش در دفاتر تجاری اقدام نماید، قانونگذار مزیتی را که به او اعطا نموده از وی می‌گیرد و دفاتر را از اساس به نفع او بی اعتبار، و به ضرر وی قابل استناد می‌داند.

نتیجه‌گیری

از آنچه در خصوص سندیت دفاتر تجاری گفته شد، چنین نتیجه می‌شود که: اولاً، سندیت دفاتر تجاری اعم از قانونی و عادی، مطلق نبوده بلکه نسبی می‌باشد؛ بدین معنی که این دفاتر، حتی در صورتی که شرایط قانونی را داشته باشند در روابط تجار برای امور تجاری حجیت دارند. دلیل این امر را شاید به خاطر ارتباط دفاتر تجاری با امور تجارتی و اغلیبیت درج ارتباطات تجاری با تجار، در این دفاتر دانست. دفاتر تجاری عادی نیز حجیت نسبی دارند یعنی طبق مادهٔ ۱۳۰۰ ق. م فقط علیه تاجر دارندهٔ این دفاتر دلیل محسوب می‌شوند، که به نظر می‌رسد حکم مادهٔ مذکور به نفع تجار در دعوی علیه دارندهٔ دفاتر تجاری عادی است. البته غیر تجار نیز می‌توانند از دفاتر تجاری عادی به عنوان قرینهٔ مثبتةٔ ادعای خود استفاده نمایند.

ثانیاً، دفاتر تجاری، سند عادی به مفهوم خاص و استثنایی می‌باشند، زیرا توسط یک نفر، برای امور تجاری شخص او ترتیب می‌یابند و در عین حال در مقابل دیگران قابل استنادند و قابل انکار یا تردید نیستند و نیز در صورتی که با رعایت شرایط قانونی تنظیم شده باشند می‌توانند با سایر ادله اثبات دعوی همسنگی کنند و در صورت تعارض با دلایل طرف مقابل - غیر از سند رسمی و اقرار دارنده دفاتر - همراه با آن دلایل از اعتبار ساقط می‌شوند، چرا که الدلیلان اذا تعارضا تساقطا. که در این شرایط باید دعوی از طریق رجوع به دلایل و قراین دیگر حل و فصل گردد.

